پیشخوان

به بهانه انتشار نقد خاطرات عباس امیر انتظام

پوستین وارونه

■ شاهد توحیدی

اثری که هم‌اینک به معرفی آنیم، شامل نقدهای اصغر جمالی فرد از چهره‌های پرسابقه انقلابی بر خاطرات عباس امیر انتظام است که در دهه ۷۰ نشر یافت. جمالی فرد پیش و پس از پیروزی انقلاب در عداد یاران شهیدمحمد منتظری بود و پا به پای او در فعالیت‌های سیاسی و انقلابی شرکت داشت. وی در دیباچه خویش بر این مجموعه، نکات ذیل را مورد اشاره قرار داده است:

«پیروزی انقلاب اسلامی در یوم‌الله ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و شکست مفتضحانه رژیم پهلوی به‌دست توانمند مردم ایران و به رهبری معمار کبیر انقلاب امام امت، میراث خواران انقلاب را بر آن داشت که برای کسب قدرت و رسیدن به مراکز دولتی، نظامی و سیاسی با همکاری و همدستی بقایای رژیم معدوم، جبهه‌ملی، نهضت آزادی ایران، منافقان، حزب‌توده و جاسوسان شرق و غرب، به غارت بیت‌المال بپردازند. منافقان، فدائیان و ساواکی‌ها و هم مسلکانشان، از فرصت استفاده کرده و به جمع‌آوری اسلحه و مهمات نظامی مشغول شدند. در این برهه حساس، شهیدمحمد منتظری کمیته‌ای تشکیل داد و به افراد مورد اعتماد و مؤمن به انقلاب اسلامی، مجوز حمل سلاح و جمع‌آوری ادوات نظامی صادر کرد تا آنان بتوانند اسلحه‌های به یغما رفته را که در دست نااهلان و ضدانقلاب و گروهک‌های معاند و منافق بود، باز پس گیرند و به اسلحه خانه‌های نظام جمهوری اسلامی عودت دهند.

محمد منتظری که در متن انقلاب و جریانات روز بود و پیروی از خط رهبری امام خمینی را وظیفه خود می‌دانست و از ماهیت دولت موقت آگاهی داشت، سخت نگران بود. از جمله نگرانی‌های شهیدمحمد انتصاب و گماردن افرادی چون: نزیه، امیرانتظام، میناچی، تیمسار مدنی، تیمسار حسین

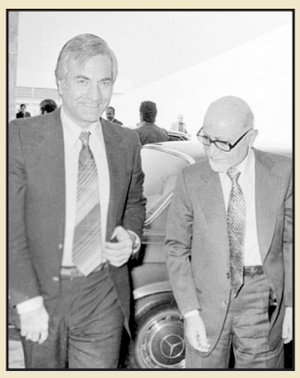

عباس امیرانتظام در کنار مهدی بازرگان در دوران حضور در دولت‌موقت

شاکر، تیمسار شهشهانی، ابراهیم یونسی، مقدم مراغه‌ای و عناصر ساواکی و ضدانقلاب در پست‌های مهم و حساس کشور و نرسیدن به وضع نابسامان ارتش و ادارات، کارشکنی در کار شهید قرنی، خالی کردن پادگان‌ها به ویژه در مناطق مرزی، بهم زدن قراردادهای نظامی از قبیل آواکس‌ها، فسخ قرارداد پنج ناو زیردریایی از آلمان، فروش فانتوم‌های اف ۱۴، تحویل نگرفتن زرادخانه مستقر در عمان و از بین رفتن آن، بستن قرارداد هشت ساله خرید گندم از امریکا، ادامه روابط با امریکای جنایتکار، ارتباط و پیام تبریک به صدام‌حسین از طرف بازرگان و دعوت وی به ایران توسط ابراهیم یزدی، ارتباط با انورسادات و عدم قطع روابط با دولت مصر، فراری دادن سران وابسته به رژیم شاه مانند: شاهپور بختیار، طوفانیان، بهارمست و... همکاری و همیاری در فراری دادن جنایتکاران انگلیسی و امریکایی از مرز بازرگان توسط امیرانتظام و ابراهیم یزدی، عدم برقراری دیپلماتیک با انقلاب فلسطین و کشور لیبی و کارشکنی در امر تأسیس سفارتخانه فلسطین به جای سفارت سابق اشغالگر قدس به بهانه راضی نبودن صاحب ملک، قطع نکردن حقوق ساواکی‌ها و افراد فراری رژیم شاه و مماشات و مذاکره و گفت‌وگو با گروهک‌های معاند و برانداز جمهوری اسلامی و دهها مواضع غیر اسلامی و انقلابی به عنوان کارنامه سیاه دولت‌موقت بود. این موارد شهید محمد را آزرده و نگران کرده بود و او بنا بر تکلیف اسلامی و میهنی خود بپا خاست. برآشفت، فریاد برآورد و صدای حق خود را بگوش مردم مسلمان ایران و جهان رسانید. شهیدمحمد منتظری در مجلس در دفاع از انقلاب و امام، عملکرد دولت‌موقت و بقایای رژیم شاه و امریکا را افشا نمود و ماهیت امریکائی عباس امیرانتظام را در مجلس آشکار ساخت و در دادگاه عباس امیرانتظام شرکت کرد و عملکرد خیانت‌آمیز وی را برملا ساخت. در یکی از جلسات دادگاه بود که امیرانتظام به او گفت: «ما شما را ترور خواهیم کرد! شهید محمد منتظری پس از مدتی نماینده حضرت امام خمینی در هیئت بررسی شایعه شکنجه شد و نقش بنی‌صدر و خطوط انحرافی اطراف وی در ضربه زدن به انقلاب اسلامی و خیانت وی به آرمان‌های امت مسلمان را، به روشنی بیان کرد....»

زنده‌یاد آیت‌الله حاج‌شیخ مرتضی تهرانی در کتابخانه شخصی

روایت تاریخی و ماندگار زنده‌یاد آیت‌الله حاج‌شیخ مرتضی تهرانی در باب سیره علمی و عملی رهبر معظم انقلاب

هیچ‌کس در عرصه مرجعیت به جامعیت رهبر انقلاب نیست

■ احمدرضا صدری

عالم ربانی و زاهد کم بدیل زنده یاد آیت‌الله حاج آقا مرتضی تهرانی، در عداد معلمان ایمان و اخلاق دینی به شمار می‌رفت که در طول نزدیک به پنج دهه، به ارشاد خلق اشتغال داشت. آن بزرگ به‌رغم آشنایی دیرین با امام‌خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای و شخصیت‌های اصلی انقلاب اسلامی، کمتر به اظهارنظر سیاسی می‌پرداخت و نوعی اعتزال از سیاست را پی گرفته بود. با این همه و در واپسین ماه‌های حیات، از ایشان گفت‌وشنودی نشر یافت که طی آن، توصیفاتی کم مانند و اعجاب‌انگیز از رهبری وجود داشت. آنچه این مطالب را خواندنی‌تر می‌کرد، برداشت‌هایی بود که از سال‌ها شناخت و ایضاً مشهودات راوی از رهبر انقلاب نشئت می‌گرفت. اینک در آستانه دومین سالگرد رحلت آن سالک الی‌الله، به بازخوانی تحلیلی بخش‌هایی از آن روایت تاریخی پرداخته‌ایم. امید آنکه تاریخ پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■■■

بیان حقیقت به مثابه امر لازم و در شرایط دشوار جسمی

همانگونه که اشارت رفت، زنده‌یاد آیت‌الله حاج‌آقا مرتضی تهرانی کمتر در فضای سیاسی کشور حضور داشت و بیشتر به ارشاد دینی و اخلاقی مردمان به ویژه جوانان مشغول بود. ایشان در سال پایانی عمر و در شرایط جسمی دشوار، به بیان پاره‌ای از خاطرات و تحلیل‌های خویش از مکانت علمی و شیوه عملی رهبر معظم انقلاب پرداخت. به نظر می‌رسید که بیان این نکات نزد آن بزرگ، به مثابه یک تکلیف قلمداد شده است. آیت‌الله تهرانی در آغاز سخن، در باب وضعیت سلامتی خویش به گاه بیان این گفتار چنین می‌گوید: «با آن که ضربان قلبم ۴۰ تا ۴۵ در دقیقه است، اما صحبت درباره موضوع موردنظرم را لازم می‌دانم، بنده اینطور فکر کرده‌ام که ابتدا اشاره‌ای داشته باشم به ذاتیات آیت‌الله خامنه‌ای (سلام‌الله علیه) که تقریباً از ۱۵ ـ ۱۶ سالگی ایشان اطلاع نزدیک دارم و تصورم بر این است که ایشان اگر از این صحبت مطلع شوند، یکی دو نکته را تعجب خواهند کرد که بر حسب ظاهر جز خودشان اطلاع نداشته‌اند و این در حافظه و اطلاعات من است. بعد وارد تصمیم‌های ایشان می‌شوم و مأخذ حرکت ایشان را هم عرض می‌کنم که کدام یک از این ذاتیات است و بعد هم اشاره‌ای می‌کنم به آنچه به‌عنوان نقیصه در جامعه دیده می‌شود و این را با استدلالی که در ذهنم هست بیان خواهم کرد.»

گوینده در پایان سخن نیز با عبارات ذیل، شکر و خشنودی خویش از بیان این گفتار را ابراز می‌کند که خود نشان می‌دهد که بیان این نکات، تا چه میزان برای وی اهمیت داشته است: «خدا را شاکرم قدری موفق شدم درباره این موضوع صحبت کنم، بنده در حق ایشان مبالغه نکردم. عین اعتقاد قطعی من است. ایشان همه شرایط شرعی و خصوصیاتی که دارد، در عالم بی‌نظیر و این نعمت بزرگی است که خدای متعال نه فقط به همه مسلمان‌ها و شیعیان، بلکه به همه انسان‌ها عطا کرده است. ان‌شاءالله خدای متعال ۱۲۰ سال و هر چه بیشتر به این بزرگوار عمر با برکت عطا بفرماید. هر چقدر خدا به ایشان عمر طولانی عطا فرماید، باز عرض می‌کنیم که خدایا! کم است. یا ما را ببر یا جامعه را خالی از ایشان نبینیم.»

آغاز آشنایی در ۶۳ سال پیش

آیت‌الله تهرانی در آغازین مرحله از سخن، در باب چگونگی آشنایی خویش با رهبر معظم انقلاب و آغاز نشو نمای علمی ایشان سخن گفته است. از اینکه در همان آغاز «صاحب ذاتیات مثبت» بوده و خداوند وی را به محضر اساتیدی بزرگ و توانمند سوق داده است: «بنده در حدود ۶۲- ۶۳ سال پیش به تبعیت از مرحوم والدم (رضوان الله تعالی علیه) از تهران به مشهد مقدس هجرت کردم. آقا هم به اتفاق اخوی بزرگشان آقای سیدمحمد یک پنج‌شنبه به منزل ما تشریف آوردند. آن موقع حدود ۱۶ سال داشتند. در همان جلسه اول توجهم به ایشان جلب شد. علتش هم این بود که شواهدی را در چهره مبارک ایشان دیدم. شش ماه هم بیشتر مشهد نبودم و بعد به قم آمدم. ایشان هم بعد به قم مشرف شدند و خدمتشان ارادت داشتیم و زیارتشان می‌کردیم. خدای متعال این بزرگوار را در حوزه به درس مرحوم آیت‌الله حاج‌شیخ مرتضی حائری سوق داد. بنده ایشان را از آن زمان صاحب ذاتیات مثبت یافتم.»

ایشان در بخشی دیگر از روایت خویش، در باب غنای درس آیت‌الله حاج‌شیخ مرتضی حائری و تأثیر آن بر استعداد و زمینه آموختن رهبر انقلاب، به نکته ذیل اشاره کرده است: «ایشان قم هم که مشرف شد، از جمله درس مرحوم آقای حائری که می‌رفتند، کمال دقت را داشتند و کار می‌کردند و دریافتی ایشان از درس خارج، به‌خصوص درس خارج مرحوم آقای حائری که خارج دقیقی بود و خارج مکاسب بود، اگر کسی مانند آقا (سلام‌الله علیه) شش ماه درس ایشان می‌رفت، کافی بود که روش استنباط، تلاش، کار و کوشش در فقه و مبادی فقه را کاملاً بیاموزد.»

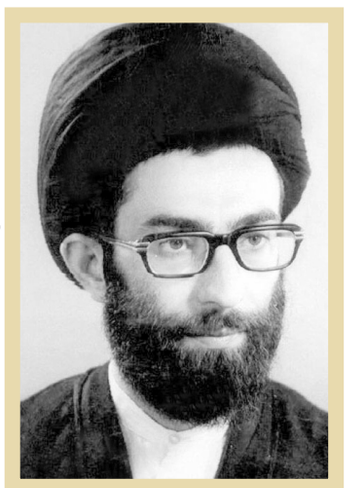

رهبر معظم انقلاب در دوره جوانی

> **آیت‌الله مرتضی تهرانی: «البته نقایصی که امروز در جامعه وجود دارد، منحصر به زمان ایشان نیست و از زمان امیرالمؤمنین و بلکه از زمان رسول اکرم هم بوده است و در زمان ما هم هست. باید بدانیم فاعل در فاعلیت خودش تام است، ولی قابل در قابلیت خودش تمامیت ندارد و قهراً این نقایص به چشم می‌خورند و کسانی که قدرت تحلیل مسئله را آنطوری که صحیح است ندارند، به اشتباه در نسبت مبتلا می‌شوند»**

رؤیای صادقه به انضمام خصال ذاتی مثبت

راوی در بیان بخشی از خاطرات خویش در باب پیشینه رهبر انقلاب، توفیقات ایشان را ناشی از مواهب ذاتی و اکتسابی خداوند، به شکل توأمان قلمداد می‌کند و دراین‌باره به خاطراتی اشاره دارد که برای آغازین بار بیان می‌شود. وی در ادامه به برخی خصال اخلاقی رهبری اشاره می‌کند که در نیل او به این مکانت، نقشی مهم و در خور توجه داشته است: «مسئله دیگری که عرض کردم شاید ایشان اطلاع ندارند - که من در جریان هستم- خوابی بود که ایشان در مشهد دیدند و این خواب را به کسی که معروف بود خوب تعبیر می‌کند، عرضه کردند و جوابی که آن شخص داد، یک تعبیر اجمالی بود و به آقا عرض کرد که این رؤیای صادقه است و نشان می‌دهد آینده‌ای فوق‌العاده دارید. آن روزها مرجع داشتیم، ولی به نظر معبّر نیامده بود که بالاتر از مرجعیت هم است. پیدا بود که رؤیای صادقه است. ایشان خواب را گرفتند و اجمالاً کشف کردند که یکی از مقدرات حق‌تعالی این است که مسیر ایشان در زندگی یک مسیر استثنایی و غیرمشابه با دیگران شود. یکی از ذاتیات ایشان که اشاره می‌کنم، بلندهمتی ایشان است. یعنی آن‌قدر این روح پاکیزه و لطیف و بزرگ است که وقتی ایشان این تعبیر را شنید، از آن موقع تدریجاً خودش را برای فعلیت این منزلت آماده کرد و از این حرکت اختصاصی و استثنایی هم هیچ غفلت نورزید. خصیصه دیگر ایشان این بود که نسبت به والدین تأدب، تواضع، فروتنی و اطاعت بسیار زیادی داشتند. خیلی زیاد که از عرفیت خارج است، به‌خصوص نسبت به پدر بزرگوارشان. عجیب بود. آنها هم حتماً اثر وضعی دارد و پیدا بود که حق تعالی تعبیر همان خواب را برای ایشان تقدیر کرده است و باید منتظر باشیم که خدا ایشان را به آن منزلت برساند. آنچه من در ایشان ادراک کردم، تصمیم و همت ایشان بود که بر حسب فضایل انسانی، ایشان دو کار را شروع کردند. یکی زحمت کشیدن در فقه و اصول و دیگری زحمت کشیدن برای تهذیب نفس و ایجاد اخلاص در اعمالشان. در این دو مسیر تا الان متحرک بوده‌اند. چرا می‌گویم تا الان؟ برای اینکه بنده فرمایشات ایشان را مرتب گوش می‌کنم. هر وقت به هر مناسبتی ایشان صحبت می‌کنند، من گوش می‌کنم. ایشان وقتی نماز مغرب را شروع می‌کنند، نگاه می‌کنم و می‌بینم روزبه‌روز غلظت اخلاص ایشان در باطنشان بیشتر می‌شود.»

خدا اراده فرموده که وجود ایشان را از دیگران متمایز کند!

بخش دیگری از گفتار آیت‌الله تهرانی، به مقایسه علمی و عملی رهبر انقلاب با قران ایشان اختصاص یافته است. هر چند که پیش از این تنی چند از علمای حوزه نیز به این امر پرداخته بودند، اما قیاس صاحب این گفتار، از مبادی متفاوتی نشئت گرفته است. علاوه بر این گوینده دراین‌باره به مکاشفه‌ای اشاره دارد که از مختصات و آورده‌های اختصاصی اوست: «در مراجع قطعاً چنین فردی با این جامعیت نداریم. یعنی وقتی به سراغ مسائل سیاسی می‌روند و مطالعه و جمع‌آوری و مقایسه می‌کنند، یک نفر غیر از ایشان نیست. در مسائل فقهی که وارد می‌شوند و جواب می‌دهند، کاملاً پیداست که سراپا اخلاص و تقواست. آنقدر احتیاط می‌کنند که یک سر سوزن برخلاف تقوا و احتیاط حرکت نکرده باشند. این را من تا الآن لمس کرده‌ام و معتقدم دیگران به این صورت به ایشان نگاه نمی‌کنند. در این جامعیتی که خدا این بزرگوار را رشد داده است، هیچ در بین علمای شیعه و اسلام نداریم. من اینجور فکر می‌کنم که حق‌تعالی اراده فرموده است که وجود ایشان را از دیگران متمایز کند و با این همت عالی در این مسیر قرار بگیرد. این بزرگوار هم خدای متعال اراده فرموده است که مسئولیت سنگینی را به ایشان عطا کند که عطا کرده است. با ظرفیت فوق ادراک اشخاص عادی. این ذاتیات ایشان است و ایشان کار کرد و من اطلاع داشتم که در فقه، اصول، رجال و لغت کار می‌کرد و در کنار همه اینها کار روحی می‌کرد. حتماً الان هم دارد.

من حتی چند شب پیش آثار حرکت در تهذیب نفس و تشدید اخلاص را وقتی ایشان داشت نماز می‌خواند در ایشان دیدم. می‌پرسید: چگونه دیدی؟ با همین چشم؟ می‌گویم خیر، با آن چشم دیگری که خدا به من عطا کرده است و یقین دارم! شب و روزی نیست که من از ایشان ۲۰ مرتبه یاد و برای ایشان دعا نکنم و به خدای متعال التماس نکنم که خدایا! این نعمت را برای شیعه مستدام بدار. معتقدم شکر و سپاسگزاری این نعمت الهی را شیعه اعم از علما و غیرعلما بجا نیاورده‌اند، چون درک نکرده‌اند، ولی خدای متعالی چنانچه بخواهد با عمل من و امثال من نعمت را بگیرد که دیگر چیزی برای ما باقی نمی‌ماند. ایشان در مقطعی که خودشان مستقیماً این مسئولیت الهی را به عهده داشتند، کارهای بزرگی انجام دادند؛ آنقدر بزرگ که نمی‌شود حجم آن را تعیین کرد. اگر خدای متعال این بزرگوار را در این سمت قرار نداده بود، هیچ یک از علما تا سال‌های طولانی هم این همت و اراده را نداشت که آنچه را من خیال هم نمی‌کردم که در عمرم آن ابعاد معنوی، الهی، شرعی و انسانی را ببینم شاهد باشیم. آثاری که به‌عنوان برکات الهیه از آقا به جا مانده، خیلی بیش از زمان امام خمینی (ره) است. نه اینکه امام نمی‌توانستند. خدای متعال از آن بزرگوار آنچه خواسته ایشان عمل کرده، از این بزرگوار هم آنچه خواسته دارند، عمل می‌کنند. ما الان زیر آسمان نداریم انسانی را که مثل آقا در مسائل سیاسی به صورت ریز، این مطالعات و این نظرات تصدیقی اعم از اثباتی و نفی را داشته باشد. این مقدار توفیق را که خدای متعال به ایشان داده به خاطر این است که شایستگی‌اش را داشته است. آن مقداری که شریعت، برای تبعیت از شخص شرط دانسته است، خدا بیش از آن به این بزرگوار عطا کرده است. فقه، اصول و سایر علومی که به آن ارتباط و بستگی دارد. آگاهی‌های جنبی‌ای که خدای متعال به ایشان داده است، بنده گمان ندارم که تاکنون کسی این مقدار آگاهی‌های ریز داشته باشد، به‌خصوص در دشمن‌شناسی.

این جمله دربسته‌ای است که به نظر من خیلی عمق دارد و خدا به این بزرگوار این نعمت ـ شناخت دشمن ـ را عطا کرده است. کسانی که خیال می‌کنند ایشان دارد تند می‌رود، اشتباه می‌کنند. خدا این شناخت را به ایشان عطا کرده است و دارد جلوی پای خودش و ملت، چاه‌ها و چاله‌ها را می‌بیند. این عالم بزرگوار را اگرچه می‌گوییم در مقام عصمت نیست، اما وقتی مؤید عندالله شد و آثار و علائم تأیید الهی را در ایشان دیدیم، آن هم نه یکی، نه دو تا، نه صد تا، می‌دانیم که آنقدر لطف خدای متعال شامل حال ایشان است، وظیفه ما این است که قدردان ایشان باشیم. وظیفه بنده این است که آنهایی را که در شبهه هستند و می‌خواهند احتیاط کنند، روشن کنم و به آنان بفهمانم در اینجا احتیاط معنی ندارد. این شبهه و احتیاط را شیطان در کله شما کرده است. مهم‌ترین وجه همت بزرگ ایشان که فوق متعارف و فوق بیان است، توجه و باور و آماده کردن خود و روح خود برای آن منزلت است. در این صورت است که انسان دیگر خستگی را نمی‌فهمد.»

> **آیت‌الله مرتضی تهرانی: «معتقدم شکر و سپاسگزاری وجود رهبری را شیعه، اعم از علما و غیر علما بجا نیاورده‌اند، چون درک نکرده‌اند، ولی خدای متعالی چنانچه بخواهد با عمل من و امثال من نعمت را بگیرد که دیگر چیزی برای ما باقی نمی‌ماند! اگر خدای متعال این بزرگوار را در این سمت قرار نداده بود، هیچ یک از علما تا سال‌های طولانی هم این همت و اراده را نداشت که آنچه را من خیال هم نمی‌کردم که در عمرم آن ابعاد معنوی، الهی، شرعی و انسانی را ببینم شاهد باشیم»**

نسبت نقایص و کمبودهای موجود در کشور با رهبر انقلاب

آیت‌الله تهرانی در بخش پایانی گفتار خویش، به مقوله مهم «نسبت نقایص و کمبودهای موجود در کشور با رهبر انقلاب» و به حل آن به مدد بازخوانی تاریخ حیات و حکمرانی معصومان(ع) پرداخته است. از منظر وی، نظایر این نقایص در دوران حاکمیت پیامبر(ص)، امیر مؤمنان و امام مجتبی(ع) نیز وجود داشته و نمی‌توان این موارد را به آنان منتسب ساخت. وی در توضیح این تئوری می‌گوید: «این عرایض من به بحث سوم منتهی می‌شود که باید برای مردم حل شود. مردمی که دین و شعور و ایمان دارند و تاریخ می‌دانند. در زمان ایشان وقتی کمبودهایی را احساس می‌کنیم، باید بفهمیم آنها را به چه کسانی باید نسبت بدهیم. عین این کمبودها در زمان امیرالمؤمنین (ع) هم بود. آیا می‌توانیم نتیجه بگیریم که حضرت ـ نعوذ بالله ـ تقصیر کرده است؟ نمی‌توانیم. حضرت در فاعلیت، عصمت، علم و قدرت خودش بی‌نظیر بوده و انسان عادی نبوده است، پس چرا تا وقتی که ایشان زنده بود، شریح را نتوانست از کوفه بیرون کند؟ این شریح بود که در قضیه کربلا فتوا داد. نبود؟ این را به چه کسی نسبت بدهیم؟ اصلاً ربطی به حجت الهی اعم از معصوم و غیرمعصوم ندارد. غیر از کمال فاعلیت فاعل، قابلیت قابل هم باید به کمال برسد. که نرسیده بود. الان علت غیبت چیست؟ نعوذ بالله نقصی در وجود مقدس حضرت بقیه‌الله (ارواحنا له الفداه) است؟ ایشان همین‌طوری نمی‌دانند دلیلش چیست و منتظر مانده‌اند که خدای متعال اراده بفرماید؟ این حرف غلط است. جامعه هنوز قابلیت ندارد. انسان باید خیلی مواظب خودش باشد که فریب شیطان را نخورد. بنده یکی از کارهایی که بر دوش خودم می‌بینم، این است که با کسانی که در شک و شبهه هستند و پایشان می‌لنگد یک جلسه و چند جلسه بنشینم و آنها را روشن کنم که در تکلیف شرعی استقرار پیدا کنند. هر کسی این حوصله را ندارد ولی من برای افراد زیادی این کار را کرده‌ام.»

وی در بخشی دیگر از این گفتار، بار دیگر سخن را به معضلات و نقایص موجود اجتماعی کشانده و دراین‌باره می‌گوید: «البته این نقیصه‌ای که در جامعه وجود دارد، منحصر به زمان ایشان نیست و از زمان امیرالمؤمنین(ع) و بلکه از زمان رسول اکرم (ص) بوده است و در زمان ما هم بوده و مواردش هم در ذهنم هست که اشاره می‌کنم؛ یعنی فاعل در فاعلیت خودش تام است، ولی قابل در قابلیت خودش تمامیت ندارد و قهراً این نقایص به چشم می‌خورند و کسانی که قدرت تحلیل مسئله را آن‌طوری که صحیح است، ندارند، به اشتباه در نسبت مبتلا می‌شوند.»

آنچه در ذیل می‌آید، سومین موضعی است که آیت‌الله تهرانی در باب نسبت رهبری با مشکلات اجتماعی در این گفتار سخن می‌گوید: «مسئله سوم باقی می‌ماند که مسئله خلأهایی است که به نظرمان می‌آید. عرض می‌کنیم در زمان امیرالمؤمنین (ع) مشابه اینها بوده است. در زمان امام (رضوان‌الله تعالی علیه) این مسائل بوده است. هنوز گاهی رسانه‌ها فرمایشات امام را که پخش می‌کنند، ایشان می‌فرمایند سال گذشته این جور گفتم، اسفا عمل نشده است. اسفا یعنی با تأسف انجام نشده است. اگر انجام شده بود که ایشان می‌فرمود بحمدالله. نمی‌فرمود اسفا. آقا از امیرالمؤمنین (ع)، جد مطهرش که بالاتر نیست. پایین‌تر هم است. در عین حال تا آنجایی که قدرت عقلی دارد، ایشان دارد عمل می‌کند. آمادگی در قابل به صورت کامل وجود ندارد. ایشان دارد کار خودش را می‌کند، کسر هم نمی‌گذارد تا آن وقتی که ان‌شاءالله خدای متعال اراده بفرماید و حضرت بقیه‌الله (ارواحنا له الفداه) ظهور کنند یا برنامه‌هایی که ایشان تنظیم کرده‌اند قابلیت اجرا پیدا کند.»

در آیینه توصیف رهبر

آنچه تاکنون بدان اشارت کرد، توصیفات زنده یاد آیت‌الله حاج آقا مرتضی تهرانی از منش و سلوک رهبر انقلاب بود. از سوی دیگر پیام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پی درگذشت آن معلم اخلاق، آیینه‌ای از باور رهبری درباره مقام و مکانت اوست:

«با تأثر و تأسف اطلاع یافتم که عالم ربانی و معلم اخلاق آیت‌الله آقای حاج آقا مرتضی تهرانی (ره) دار فانی را وداع گفته و ان‌شاءالله به مأمن رضای الهی در جوار مرقد حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا (ع) بار یافته‌اند. عمر بابرکت این فقیه عالیقدر و سالک الی‌الله سرشار از نورانیت و صفا و خدمت به دین و اخلاق بود و جمع زیادی از جوانان پاک‌نهاد و فاضل از سرچشمه فضائل علمی و اخلاقی ایشان بهره‌مند گشته و در صراط مستقیم ثبات یافته‌اند. این مصیبت را به خاندان گرامی و فرزندان محترم و دیگر وابستگان و به شاگردان و ارادتمندان ایشان صمیمانه تسلیت عرض می‌کنم و علو درجات ایشان را از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.»